

## نامه سردبیر

سرمقاله این شماره را بدون هیچ توضیح و اضافاتی، اختصاص می‌دهیم به یک نکته کلیدی که در متن زیر، توسط دکتر رضا منصوری استاد گرانپایه کشورمان به خوبی نگاشته شده است:

"ایران پیش از انقلاب اسلامی، پس از دو قرن آشنایی با نهادهای نوین تمدنی، اعم از علمی و اقتصادی و سیاسی، و پس از حدود یک قرن از انقلاب مشروطه، و پس از حدود نیم قرن دانشگاه‌داری هنوز به بلوغ مؤثری برای درک عمیقی از ریشه‌های نهادهای نوین علمی، مفهوم علم نوین و نسبت بشر با طبیعت، نرسیده بود. برای ایرانیان سالی روان‌شناختی موجود است که پذیرش واقعیت را همواره سخت کرده است. این حالت روانی ناشی از دوران عظمت تاریخی ساسانیان و دوران طلایی اسلام است که نگذاشته است ایرانیان بپذیرند که خواب هشتصدساله پس از تأسیس نظامیه‌ها، آنها را از قافله تحولات فکری بشر دور کرده است. و به همین دلیل ایرانیان مشکلی عمیق و معناشناختی با مفاهیم مدرن علم و فناوری دارند. این مشکل در فرآیند سیاست‌گذاری علم و فناوری، که نقشی مهم در دوران مدرن دارد، منعکس شده است. گرچه نهادی به نام شورای پژوهش‌های علمی کشور در دهه آخر حکومت پهلوی تأسیس شد، اما به سختی توان فعالیت آن را از نوع سیاست‌گذاری علمی دانست. شروع سیاست‌گذاری علمی را باید اواخر دهه شصت و بعد از انقلاب اسلامی دانست. به نظر می‌رسد این مشکل روان‌شناختی که ما ایرانیان با مفهوم مدرن علم و فناوری داشته‌ایم هم بسیار ریشه‌دار است، و هم در کشورهای دیگر اسلامی نیز دیده می‌شود."